

استفاده از تکنیک های روانشناختی برای بهبود مدیریت کلاس و کاهش رفتارهای نامطلوب

مریم قهقایی

کارشناس آموزش ابتدایی و فعال حوزه جهادی رسانه

چکیده

کلاس درس به عنوان یک گروه یا نظام اجتماعی دارای همه ویژگی های سیستم های اجتماعی است که مورد توجه صاحب نظران علوم رفتاری قرار دارد. مدیریت کلاس بر عهده معلم است که قبل از آموزش یا هر گونه اقدام تربیتی و رفتاری باید کلاس درس را جهت تحقق اهداف، مدیریت نماید. مدیریت کلاس درس چون سایر مدیریت ها مستلزم کارکردهایی چون طراحی و سازماندهی، هماهنگی و رهبری، کنترل و نظارت و ارزشیابی است که بدلیل در هم تنیدگی، این کارکردها از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند. امروزه، از مهم ترین چالش های یک معلم در کلاس، ارتباط مؤثر و صحیح با فراگیران است از طرف دیگر ارتباط معنا دار، کلید اجرای موفقیت آمیز بسیاری از شیوه های مدیریت در کلاس می باشد. ارتباط عامل اصلی یادگیری است که شاخص های متعددی را در بر می گیرد. اهمیت ارتباط در کلاس درس آنقدر زیاد است که بعضی از صاحب نظران معتقدند ارتباط و اداره و کنترل یک کلاس درس لازم و ملزوم یکدیگرند. در برقراری ارتباط با دانش آموزان در کلاس، معلم با موانع و عوامل زیادی روبروست. که آگاهی و تسلط معلم بر این موارد و مهارت های ارتباطی در جهت تحقق اهداف آموزشی امری اجتناب نا پذیر است. آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی جامعه است که تعلیم و تربیت و ساختن انسان مطلوب و مؤثر را در جامعه به عهده دارد. اداره کلاس درس یعنی استفاده از فنون ایجاد و حفظ یک محیط سالم و خالی از مشکلات رفتاری. هدف اصلی معرفی و پیشنهادهایی برای مدیریت مؤثر کلاس درس بود. در این جا به سبک های مختلف یادگیری از جمله: سبک اقتدارگرایانه، سبک مستبدانه، و سبک آزادگذاری اشاره شد. همچنین راهکارهای اصلاحی رفتار که شامل: استدلال کردن و اصول و روش های تغییر رفتار می شد شرح داده شدند. اصول و روش های تغییر رفتار شامل: (۱) روش های افزایش نیرومندی رفتارهای مطلوب موجود. (۲) روش های ایجاد رفتارهای مطلوب تازه. (۳) روش های نگهداری رفتارهای مطلوب. (۴) روش های کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: تکنیک های روانشناختی، بهبود، مدیریت کلاس، کاهش، رفتارهای نامطلوب

مقدمه:

تعاریف مدیریت از کلاس درس با توجه به نگرش صاحب نظران متعدد است ولی می توان همه تعاریف را به دو مقوله طبقه بندی کرد. بخش عمده ای از تعاریف، مدیریت کلاس درس را مترادف با "کنترل و انضباط" و یا "طراحی و سازماندهی" کلاس درس در نظر گرفته اند. در این دیدگاه تدریس و آموزش برجسته تر از مدیریت کلاس می باشد دیدگاه دوم، کلاس درس بعنوان یک نظام اجتماعی است که شامل همه فعالیت های معلم در کلاس درس می شود. این دیدگاه مدیریت کلاس درس را شامل سه مرحله، مقدمات (طراحی و سازماندهی) اجرا (رهبری، هماهنگی، کنترل، آموزش) و ارزشیابی می داند. این دیدگاه زمینه پویایی، توصیف، تحلیل و تبیین کلاس درس و فعالیت های معلم را فراهم می کند. (ریس و مور، ۱۳۸۱)

به طور خلاصه مدیریت کلاس درس به مفهوم "ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است". (اسکریونر، ۱۹۹۴) معلمان در کلاس درس با چالش های مهمی روبرو هستند از جمله: ایجاد انگیزه برای همه دانش آموزان، انجام کارهای گروهی، نظارت بر رفتار دانش آموزان، نظارت بر پیشرفت یکایک دانش آموزان که مدیریت صحیح کلاس می تواند توانایی معلم را دو برابر تقویت کند. بطوریکه مدیریت مناسب کلاس مبتنی بر شیوه دانش آموز محوری و ارتباطی هوشمندانه و عاطفی با فراگیر، موجب تحقق نظم، تقویت انگیزه های درونی برای انجام هرچه بهتر فعالیت های مرتبط با یادگیری می شود.

از طرف دیگر محیط کلاس آکنده از معنایی، روابط و پیام هاست. ارتباط فرایندی پویا و در جریان است که بر دانش و آگاهی های قبلی طرفین مبتنی است. مهم ترین کانال های ارتباط، کلامی و غیر کلامی است که از چهار عنصر اصلی ارتباط فرستنده، پیام، کانال و گیرنده تشکیل شده است.

اکثر تعاملات با دیگران مستلزم استفاده از زبان است و هیچ یک از دیگر نظام های ارتباطی ویژگی های زبان را ندارد. اولین گام در هر رویارویی اجتماعی و یکی از مهم ترین استفاده های زبان در تعامل خطاب کردن طرف مقابل می باشد. هم چنین نحوه استفاده ما از شکل های زبانی از قبیل ضمائر شخصی و شکل های خطاب در یک محاوره متأثر از عرف های فرهنگی می باشند.

پیام های کلامی تنها بخش کوچکی از ارتباط میان فردی را تشکیل می دهند و این پیام ها معمولاً با نظم غنی از علائم غیر کلامی همراه اند که پیام کلامی را حمایت، اصلاح یا حتی کاملاً عوض می کنند. محیط کلاس محیط کاملاً پیچیده ای از انواع پیام های کلامی و غیر کلامی است چون سر و صدا، نگاه خیره، لبخند، ژست و تغییرات، لمس کردن، وضع اندام، کلمات، جملات، اشاره.

از تکنیک های مدیریت مؤثر معلم در کلاس درس، حرف زدن در درجه اول اهمیت قرار دارد. وی با یک محیط کلامی سر و کار دارد. معلم باید با مهارت خوب حرف زدن و خوب گوش دادن آشنایی کامل داشته باشد. در این صورت قادر خواهد بود به احساسات، اطلاعات و عواطف دانش آموزان خود پی ببرد. گوش دادن دارای موانع می باشد از جمله انتقال ذهن، موانع عاطفی، انتقال شباهت و تفکر دو ارزشی، که معلم می تواند، استفاده از شیوه های مناسب مدیریت کلاس و ارتباطی صحیح در آغاز سال تحصیلی، حس پیش بینی و نظم را در دانش آموزان رشد بدهد و آنها در انجام کارهای روزانه آماده تر باشند. محیط کلاس، محیط منطقی، آرام، امن و تشکیلاتی شده که فشار روانی در آن کاهش می یابد و معلم و دانش آموز جهت تحقق ضرورت های کاری خود در مدرسه با هم همکاری می کنند.

کلاس درس به عنوان یک سازمان، شبکه پیچیده ای از ارتباطات و هماهنگی فعالیت هایی که تبادل اطلاعات میان واحدهای گوناگون و متعدد آن مستلزم پیش بینی و تدارک طرق و وسایل ارتباطی مؤثر است زیرا سازمان بدون ارتباطات هرگز قادر به

ادامه حیات نیست، اگر ارتباطات مؤثر و سالم وجود نداشته باشد. تصمیم گیری فرد معلم به شدت با مشکل روبرو خواهد شد و اداره و کنترل کلاس میسر نخواهد بود.

از ملاک های مختلف ارتباطات را می توان به انواع متعدد تقسیم کرد: ارتباطات رسمی - غیر رسمی، یک جانبه - دو جانبه، نزولی - صعودی، افقی - عمودی، کلامی - غیر کلامی، آشکار - پنهان و شفاهی - کتبی. (با استفاده از: سرمد، ۱۳۸۰) متخصصان علم ارتباط شناسی بر این باورند که فرایند ارتباط از ساده ترین تا پیچیده ترین حالت نوسان دارد و حداقل از سه عنصر فرستنده پیام، پیام و گیرنده پیام تشکیل شده است. فرستنده پیام یا منبع، مطلب مورد نظر را با بیانی که برای گیرنده پیام قابل فهم باشد در می آید (رمز گردانی) و آن را به کمک وسیله ای به مخاطب ارسال می کند. در کلاس درس بیان قابل فهم معلم برای دانش آموزان همان رمز گردانی است و وسیله انتقال آن نیز زبان معلم است. گیرنده پیام، پس از دریافت، آن را کشف رمز می کند، یا مجدداً رمز گردانی کرده و واکنش خود را به فرستنده پیام منعکس می کند (باز خورد) که سؤال و جواب متعدد بین معلم و دانش آموز نمونه ای از آن می باشد.

بی گمان در دوران معاصر، حرفه تدریس یکی از دشوارترین مشاغل محسوب می گردد. چه آنکه علاوه بر آگاهی از دانش تخصصی، هر معلمی باید از هنر و تجربه تدریس نیز برخوردار باشد. معلمان موفق به شیوه های متفاوتی عمل می کنند، اما در یک رویکرد با هم مشترکند که آن، توانایی اداره کردن کلاس خود به طور موثر و کارآمدی باشد. بدون مهارت های مورد نیاز برای عملی کردن این کار حتی معلمان علاقمند و مطلع نیز شکست خواهند خورد. مهارتهای معین بسیاری وجود دارد که دارا بودن آن ها برای معلمان در درجه اول اهمیت قرار دارد و مدیریت کلاس از جمله مواردی است که معلمان برای ایفای موثر وظیفه خود به آنها نیاز دارند. مدیریت کلاس می تواند یکی از موثرترین عوامل و هسته ی اصلی مهارت های تدریس باشد که هم دانشجو-معلمان و هم معلمان با تجربه باید همواره آن را بهبود بخشند. از این رو در این مقاله سعی شده است راهبردهایی برای اداره موثر کلاس درس معرفی و پیشنهاد شود.

بی گمان در دوران معاصر، حرفه تدریس یکی از دشوارترین مشاغل محسوب می گردد. چه آنکه علاوه بر آگاهی از دانش تخصصی، هر معلمی باید از هنر و تجربه تدریس نیز برخوردار باشد. معلمان موفق به شیوه های متفاوتی عمل می کنند، اما در یک رویکرد با هم مشترکند که آن، توانایی اداره کردن کلاس خود به طور موثر و کارآمدی باشد. بدون مهارت های مورد نیاز برای عملی کردن این کار حتی معلمان علاقمند و مطلع نیز شکست خواهند خورد. مهارتهای معین بسیاری وجود دارد که دارا بودن آن ها برای معلمان در درجه اول اهمیت قرار دارد و مدیریت کلاس از جمله مواردی است که معلمان برای ایفای موثر وظیفه خود به آنها نیاز دارند. مدیریت کلاس می تواند یکی از موثرترین عوامل و هسته ی اصلی مهارت های تدریس باشد که هم دانشجو-معلمان و هم معلمان با تجربه باید همواره آن را بهبود بخشند. از این رو در این جا سعی شده است راهبردهایی برای اداره موثر کلاس درس معرفی و پیشنهاد شود.

بیان مسئله:

معلم در نقش رهبر کلاس درس مسئول هدایت و تدوین برنامه هایی برای یکسال تحصیلی است که مطمئن شود که دانش آموزان ملاک ها و معیارهای ناحیه یا منطقه آموزش و پرورش و اهداف تدوین شده در رابطه با بهبود مدرسه را درک و درصدد تحقق آنها هستند. رهبری معلم در کلاس درس با مؤلفه هایی چون الگو سازی، نفوذ بر زیر دستان، آموزش غیر مستقیم،

تقویت عزت نفس، روابط باز و منطقی، مربی گری و پرورش دادن، کمک به دانش آموزان القای موفقیت و امید دادن مشخص می شود.

نگرش معلم به ماهیت کلاس درس، موضوع و محتوای درس و ماهیت دانش آموزان بر چگونگی رفتار او تأثیر دارد. بعضی از معلمان کلاس درس را یک سازمان رسمی و غیر قابل انعطاف تلقی می کنند، قوانین باید دقیق رعایت شود، مطالب انتقال یابد، معلمان با نگرش کلاسیک بر موضوع های درس تأکید می کنند. در مقابل برخی معلمان کلاس درس را یک سازمان اجتماعی، قابل انعطاف در نظر می گیرند و جهت رسیدن به اهداف با دانش آموزان رابطه ای دوستانه و صمیمانه برقرار می کنند. چنین معلمانی با نگرش روابط انسانی بر رشد دانش آموز بیشتر تأکید دارد.

رهبری اثر بخش در کلاس درس تحت تأثیر عوامل مختلفی چون شرایط فرهنگی اجتماعی، نگرش های معلم به انسان، ساختار کلاس، ماهیت تعلیم و تربیت، سطح دانش، آگاهی ها و مهارت های شغلی معلمی، سطح انگیزش دانش آموزان و هدف های آموزشی است. تأثیر متقابل این عوامل معلم را به سبک رهبری خاصی سوق می دهد. به طور کلی سبک های رهبری را در کلاس درس می توان به سه شیوه آمرانه، مشورتی و عدم مداخله تقسیم کرد. معلم مستبد، شخصی است که دوست دارد بدون استفاده از مهارت های مدیریت، کنترل کاملی بر کارها داشته باشد و تصمیم او تنها تصمیم با اهمیت در کلاس است. در سبک رهبری متعادل، معلم محدودیت ها را در نظر گرفته و انتظارات به وضوح به دانش آموزان تفهیم می شود و به خوبی کارهای روزانه و شیوه های آموزش جریان بیدار می کند تا کلاس درس منظمی بوجود آید. این سبک دانش آموز مدار است.

مفهوم کنترل بر کلاس درس غالباً معنای ضمنی نا مطلوبی دارد چون به نظر می رسد که اعمال کنترل یا نظارت، آزادی عمل فردی را تهدید می کند. ولی واقعیت اجتماعی این است که هر فعالیت گروهی، اجتماعی و سازمانی مستلزم نوعی کنترل یا نظارت است تا از این طریق فعالیت ها و روش های انجام امور بهبود یافته و تحقق اهداف آموزشی سرعت یابد. (علاقه بند، ۱۳۷۸)

معلمان می توانند از هر دو نوع فعالیت استفاده کنند ولی معلمانی که از فعالیت های باز دارنده (تدوین مقررات و استفاده از رفتارهای خاص) استفاده می کنند، اثر بخش تر است، به این ترتیب کارهای روزمره ی کلاس که معلم به منظور پیشگیری از اختلالات رفتاری و تصحیح مشکلات رفتاری انجام می دهد تا تسلط مناسب بر کلاس را پیدا کند کنترل یا انضباط نامیده می شود.

توانایی ایجاد ارتباط اثر بخش با دانش آموزان، نگهداری فعالیت های کلاس در یک حالت زنده، فعال و شاداب، آگاهی دادن دانش آموزان نسبت به مسئولیت شان در انجام تکالیف و یادگیری مطالب، ایجاد تنوع در فعالیت های کلاس بسیار مؤثر است معلمان با توجه به نگرش، دانش، بینش و تصوراتشان از تعلیم و تربیت، روشها، اهداف آموزشی، ساختار سازمان، اقتدار و مفهوم مدیریت، به کلاس درس به گونه ای خاص نگاه می کنند. به طور کلی مدیریت کلاس درس با توجه به نظریات کلاسیک، روابط انسانی و یا سیستمی انجام می شود. بعضی از معلمان کلاس را یک ساختار رسمی با سلسله مراتب اقتدار در نظر می گیرند. این معلمان بر رعایت قواعد و مقررات، نظم و انضباط دقیق، استفاده از قدرت رسمی و انتقال مطالب درسی تأکید می کنند. معلمان معتقد به روابط انسانی، کلاس درس را یک گروه اجتماعی تلقی می کنند و بر روابط دوستانه، صادقانه و صمیم تأکید می کنند و بیشتر از قدرت شخصی یعنی تخصص، جذابیت و مرجعیت استفاده می کنند. معلمان معتقد به دیدگاه سیستمی کلاس را یک سیستم باز در نظر می گیرند که در کنش و واکنش با محیط بیرونی است. این گونه معلمان به ساختار رسمی و سازمان غیر رسمی هر دو توجه دارند. از انواع اقتدار با توجه به شرایط و اقتضای موقعیت استفاده می کنند. این

معلمان کلاس درس را یک سیستم باز در نظر می گیرند و بر ایجاد ارتباط با اولیای دانش آموزان و درگیر نمودن آنها در تعلیم و تربیت فرزندانشان تأکید می کنند. هر کلاس درسی در اثر تعاملات معلم و شاگرد، شاگردان با یکدیگر، شیوه ی طراحی و سازماندهی، شیوه های نظارت و کنترل و رهبری و ارزشیابی، وضعیت و شرایط خاصی را به خود می گیرد که اصطلاحاً به آن جو سازمانی یا شخصیت کلاس درس می گویند. جو یادگیری در هر کلاسی ناشی از ادراک گروهی دانش آموزان و معلم است. این جو بر نگرشها و رفتار دانش آموزان و معلم تأثیر می گذارد. معلم برای رابطه ی مثبت با دانش آموزان نیاز به تلاش و محرک دارند. معلمی که انتظارش روشن و با دانش آموزان مهربان بوده و رابطه ای متقابل توأم با احترام با آنها دارد، در حال رهبری و مدیریت صحیح دانش آموزان است. مهربانی و توجه معلم نسبت به دانش آموزان باعث می شود که دانش آموزان انتظارات مربوط به رفتارهای متناسب از خود نشان دهند. معلم در کلاس درس نیازی به سرد بودن و جدایی از دانش آموزان ندارد. رابطه ای مؤثر همراه با حسن تفاهم با دانش آموزان فضایی مثبت و مطلوب از کلاس درس را فراهم خواهد آورد. و در نهایت در سایه مدیریت صحیح کلاس و ارتباط مؤثر با کلاس نه تنها اهداف آموزشی تحقق خواهد یافت بلکه فراگیر برای ورود به جامعه بزرگتر از نظر مهارت های ارتباطی و اجتماعی آمادگی لازم را کسب خواهد نمود.

مدرسه قشر عظیمی از جمعیت هر کشوری را در اختیار دارد که سرمایه های پرارزش جامعه و امیدهای درخشان مملکت تلقی می شوند و عامل مهمی در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به شمار می روند. لذا این نهاد تربیتی بخش قابل توجهی از اوقات دانش آموان را به خود اختصاص می دهد که در صورت برقراری رابطه ای مناسب در رفتارهای فرد، چه از نظر آموزشی و چه تربیتی، نقش مهمی را ایفا می کند. مدرسه، هم منشأ شکل گیری رفتارهای خشونت آمیز و ناسازگارانه اجتماعی و هم محیطی برای پیشگیری و کاهش آن تلقی می شود. در محیط کلاس و مدرسه دانش آموزانی حضور دارند که به دلیل خصوصیات و شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی، در پذیرش انتظارات و مقررات محیط آموزشی و انطباق با آن چندان موفق نیستند. مشکلات رفتاری دانش آموزان مدرسه های متوسطه اول و شاید همه دوره های تحصیلی عبارتند از: ادای کلمات زشت، القاب ناشایست، بیان واژه های مخرب، فرار از مسئولیت های فردی و اجتماعی، بی احترامی به حقوق دیگران، صدا کردن معلم به اسم، بی حرمتی نسبت به دبیر، طبل کردن میز کلاس، جویدن آدامس در کلاس و در حضور کارکنان و مدیریت مدرسه، مسخره کردن معلم، خالکوبی روی دست، بی رغبتی و بی علاقه ای به کارهای گروهی و جمعی، ریختن آشغال خوردنی در فضای کلاس و مدرسه، بی توجهی به نظافت شخصی، ضعف اخلاق فردی، تأخیرهای مکرر در ورود به مدرسه و مراسم صبحگاهی، ناآشنایی اعتقادی با آداب انجام فریضه های دینی و گاهی اظهار دین گریزی، پرخوری، بی توجهی به سلامت خود، کم تحرکی، گوشت پستی و نادرست راه رفتن. تصورشان این است که دنیا یعنی خوردن و خوابیدن و نوشیدن. از لحاظ اقتصادی هم بعضی از دانش آموزان نسبت به حفظ و حراست از اموال مدرسه و حتی لباس های خود بی تفاوت هستند. تصورشان این است که باید امروز را خوش بود و تا می توان مصرف کرد. اصلاً این تیپ دانش آموزان با کلمه صرفه جویی، به فکر اموال عمومی بودن و این دست کلمات کاملاً بیگانه اند.

لذا موضوع اصلی این بود که چگونه می توانم از روش های اصولی و علمی، رفتارهای نامطلوب زیستی، اجتماعی و اقتصادی تعدادی از دانش آموزان را کاهش دهم و نگرش مثبت و بهتری در خصوص احساس لذت و شادابی در دانش آموزان به منظور دستیابی به بدنی سالم، مسئولیت پذیری در برابر خود، خانواده و جامعه، مدیریت پول توجیبی به منظور کمک به اقتصاد خانواده و رعایت صرفه جویی تقویت یا ایجاد کنم. همچنین، افزایش حضور داوطلبانه دانش آموزان را در مراسم مذهبی و شرکت فعالشان را در آموزش های دینی همچون نماز جماعت، افزایش دهم و در نهایت از دلزدگی و افت تحصیلی آنان جلوگیری کنم.

اهمیت ضرورت تحقیق:

کلاس درس به عنوان یک سازمان، شبکه پیچیده ای از ارتباطات و هماهنگی فعالیت هایی که تبادل اطلاعات میان واحدهای گوناگون و متعدد آن مستلزم پیش بینی و تدارک طرق و وسایل ارتباطی مؤثر است زیرا سازمان بدون ارتباطات هرگز قادر به ادامه حیات نیست، اگر ارتباطات مؤثر و سالم وجود نداشته باشد. تصمیم گیری فرد معلم به شدت با مشکل روبرو خواهد شد و اداره و کنترل کلاس میسر نخواهد بود.

از ملاک های مختلف ارتباطات را می توان به انواع متعدد تقسیم کرد: ارتباطات رسمی - غیر رسمی، یک جانبه - دو جانبه، نزولی - صعودی، افقی - عمودی، کلامی - غیر کلامی، آشکار - پنهان و شفاهی - کتبی. (با استفاده از: سرمد، ۱۳۸۰) متخصصان علم ارتباط شناسی بر این باورند که فرایند ارتباط از ساده ترین تا پیچیده ترین حالت نوسان دارد و حداقل از سه عنصر فرستنده پیام، پیام و گیرنده پیام تشکیل شده است. فرستنده پیام یا منبع، مطلب مورد نظر را با بیانی که برای گیرنده پیام قابل فهم باشد در می آید (رمز گردانی) و آن را به کمک وسیله ای به مخاطب ارسال می کند. در کلاس درس بیان قابل فهم معلم برای دانش آموزان همان رمز گردانی است و وسیله انتقال آن نیز زبان معلم است. گیرنده پیام، پس از دریافت، آن را کشف رمز می کند، یا مجدداً رمز گردانی کرده و واکنش خود را به فرستنده پیام منعکس می کند (باز خورد) که سؤال و جواب متعدد بین معلم و دانش آموز نمونه ای از آن می باشد.

با استفاده از روش «استخوان ماهی^۱» و نگاه به مسئله های اصلی از جنبه های گوناگون، به یافتن راه حل ها پرداختیم. به طور کلی، رفتارهای نامطلوب دانش آموزان را از دو راه می توان کاهش داد: یکی جانشین کردن رفتارهای مطلوب به جای آن ها و کاهش غیرمستقیم رفتارهای نامطلوب؛ دیگری کاهش مستقیم رفتارهای نامطلوب. (سیف، ۱۳۹۳: ۵۸۳) لذا راه حل هایی که پس از بررسی و تحلیل اطلاعات شناسایی شدند، به شرح زیر بیان می شوند:

فعال کردن شورای معلمان

با دبیران در خصوص بهره گیری از روش های تقویت تفکیکی رفتارهای با نرخ کم (تقویت به پاسخ هایی وابسته است که به تعداد کمتری انجام می شوند)، تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز (از طریق تقویت نکردن رفتار نامطلوب و تقویت کردن رفتاری که با آن ناهمساز یا مغایر است)، به کاهش رفتار نامطلوب اقدام می شود. (مثال: دانش آموزی که در کلاس مزاحم هم کلاسی هایش می شود، کمتر به درس و کار خود می رسد. هر وقت دانش آموز آرام در صندلی خود می نشیند و به انجام کارهای خودش می پردازد و کاری به کار دانش آموزان دیگر ندارد، او را تقویت می کنیم).

همچنین، تقویم زمان بندی شورای معلمان با بهره مندی از نظرات آنان و موضوعاتی مانند طرح درس، روش های نوین تدریس و مدیریت کلاس تنظیم شد. علاوه بر آن، در فرصت های مناسب و موقعیت های مقتضی که دبیران حوصله شنیدن و گفت و گو داشتند، در خصوص مدیریت کلاس و مسائل مربوط به آن بحث و تبادل نظر به عمل می آمد. لازم به توضیح است، شورای دبیران با تفاهم ایجاد شده و اطلاع رسانی به اولیا، نیمی از زمان جلسه از وقت کلاسی و نیمی دیگر از وقت آزاد دبیران تشکیل می شد.

گفت‌وگو جلسه با اولیای دانش‌آموزان

با توجه به مصوبه انجمن اولیا و مربیان مقرر شد برای اولیای هر سه پایه تحصیلی به صورت منفک و پایه‌ای جلساتی با موضوعاتی مانند «ویژگی‌های رشد در دوره اول متوسطه و... به صورت مستمر برگزار شود. در این جلسات با بهره‌مندی از منابع علمی و تربیتی در خصوص رفتارهای نامناسب دانش‌آموزان و راهکارهای مربوطه به صورت مفصل گفت‌وگو صورت می‌پذیرفت.

محروم کردن از تقویت

فردی را که رفتار نامطلوبی انجام داده است، برای مدتی از دریافت تقویت محروم کنیم؛ برای مثال محروم از ورزش. این راه حل به منظور رعایت انضباط در کلاس قبل از حضور دبیر، رعایت نکات ایمنی در زنگ‌های تفریح در حیاط مدرسه، رعایت نظم معقول و منطقی در مراسم و این گونه موارد به کار گرفته شد.

اعمال شیوه‌های اجرایی تنبیهی آیین‌نامه اجرایی مدرسه

معلمان، مدیران و کارشناسانی که در محافل خصوصی و گاهی رسمی اعلام می‌دارند از زمانی که تنبیه بدنی برداشته شده است، دانش‌آموزان دیگر درس نمی‌خوانند (البته این ادعا مبنای علمی و تربیتی ندارد)، از ابزار قانونی آیین‌نامه اجرایی مدرسه که بخشی را به شیوه‌های اجرایی تنبیهی پرداخته است، غفلت کرده‌اند. لذا با توجه به شناخت نسبت به این ظرفیت قانونی، از آن به خوبی بهره‌جستم و با تبیین نکات تشویقی و تنبیهی آیین‌نامه در فرصت‌های مناسب و برای دانش‌آموزان و اولیا، توانستم بدون بهره‌گیری از خشونت‌های عرف مدرسه‌داری، از آن به خوبی استفاده کنم (تذکر و اخطار شفاهی به‌طور خصوصی، تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش‌آموزان کلاس مربوط، تغییر کلاس در صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه البته با اطلاع ولی دانش‌آموز، اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش‌آموز و اخراج موقت از مدرسه حداکثر برای مدت سه روز).

ارائه الگوی عملی در آموزش مبانی اعتقادی و اخلاقی

برای به‌کارگیری این راه حل از روش ایجابی استفاده و سعی شد از شیوه سلبی نیز بهره‌برده شود. مثال: همراه دانش‌آموزان در نماز جماعت ظهر و عصر شرکت می‌کردم؛ همراه دانش‌آموزان و همان محلی که آنان وضو می‌گرفتند وضو می‌گرفتم؛ در حضور دانش‌آموزان لباس مناسب و رسمی می‌پوشیدم؛ به دانش‌آموزان اجازه می‌دادم به طور کامل صحبت کنند؛ زمانی که دهانم پر بود صحبت نمی‌کردم و در حضور دانش‌آموزان در مکان‌ها و مراسم رسمی چیزی نمی‌خوردم؛ به اولیا در حضور دانش‌آموزان احترام می‌گذاشتم؛ با آنان محترمانه صحبت می‌کردم و آنان را در دوران بلوغ درک می‌کردم؛ بین دانش‌آموزان در زنگ تفریح و به‌عنوان دوست، با رعایت حرمت‌ها حضور فعال داشتم؛ در مراسم صبحگاهی شرکت می‌کردم.

هدایت دانش‌آموزان به ورزش‌های گروهی

بعضی از ویژگی‌های دوران بلوغ و دوره متوسطه اول عبارت‌اند از: دوری کردن و فاصله گرفتن از والدین و تمایل به نزدیک شدن به هم‌سن و سالان خود و اضطراب از پذیرفته‌نشدن توسط هم‌تایان و هم‌سالان خود؛ احساس تعهد و وفاداری شدید به گروه؛ برقراری روابط دوستانه بسیار قوی با هم‌جنسان خود؛ دوره رشد سریع و بلوغ (ساداتیان، ص ۵۴). به‌منظور توجه به این ویژگی‌ها، طی سه جلسه با نمایندگان ورزشی کلاس‌ها و شورای دانش‌آموزان، مصوب شد هر کلاس گروه‌هایی ورزشی در

رشته‌های فوتبال، طناب‌کشی و فوتبال‌دستی معرفی کنند، به‌طوری که هیچ دانش‌آموزی در کنار نماند و گروه‌های ورزشی از افراد قوی، متوسط و ضعیف تشکیل شده باشند تا همه گروه‌ها بتوانند با یکدیگر رقابت کنند. زمان برگزاری اجرای این تیم‌ها در زنگ تفریح با رعایت قوانین خاص تدوین‌شده توسط دانش‌آموزان بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

روشهای کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب به دو دسته روشهای مثبت و روشهای منفی تقسیم می‌شوند. به طور کلی رفتارهای نامطلوب را از دوره می‌توان کاهش داد: (۱) جانشین ساختن رفتارهای مطلوب به جای آن‌ها و در نتیجه کاهش دادن غیر مستقیم رفتارهای نامطلوب، (۲) کاهش دادن مستقیم رفتارهای نامطلوب. به روش‌هایی که در مورد اول به کار می‌روند روش‌های مثبت کاهش رفتار می‌گویند، زیرا همه آنها از اصل تقویت مثبت مشتق شده‌اند. روش‌هایی که در مورد دوم به کار می‌روند روشهای منفی کاهش رفتار نام دارند، زیرا در همه آنها از شیوه‌های کم‌وبیش آزارنده استفاده می‌شوند و، چنان که خواهیم دید، این روشها عوارض منفی ایجاد می‌کنند.

روش‌های مثبت کاهش رفتار

فرض روشهای مثبت کاهش رفتار این است که اگر دانش‌آموز یا مددجو رفتار نامطلوب تازه‌ای را بیاموزد و به انجام آن رفتار بپردازد و به خاطر آن تقویتی را که با انجام یک رفتار نامطلوب دریافت می‌کرده است به دست آورد، به تدریج این رفتار مطلوب او جانشین رفتار نامطلوبش خواهد شد. روشهای مثبت کاهش رفتار که بر اصل تقویت مثبت استوارند چهار تا هستند که در زیر معرفی می‌شوند

۱. تقویت تفکیکی نرخهای کم رفتار

بعضی رفتارها اگر با فراوانی یا نرخ کم انجام می‌شوند مطلوب‌اند، اما اگر به میزان زیاد انجام شوند نامطلوب یا حتی مضر هستند. دانش‌آموزی که با سرعت خیلی زیاد تکالیفش را انجام می‌دهد و در نتیجه آنها را غلط و ناخوانا می‌نویسد، اگر آهسته به نوشتن تکالیفش بپردازد، درست و خوانا خواهد نوشت. همچنین دانش‌آموزی که در بحث گروهی زیاد حرف می‌زند و فرصت صحبت کردن را از دیگران می‌گیرد، اگر کمتر و به نوبت حرف بزند حرف زدن او مطلوب‌است. روش تقویت تفکیکی نرخهای کم رفتار یا رفتارهای دارای نرخ کم (DRL)^۱ به کاربرد برنامه خاص تقویتی با رفتارهایی گفته می‌شود که اگر با نرخ یا فراوانی کم رخ دهند مطلوب‌اند، اما علت نامطلوب بودن آنها این است که به دفعات زیاد یا با سرعت زیاد رخ می‌دهند.

روش تقویت تفکیکی نرخ‌های کم رفتار به دو صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد (۱) پاسخدهی با نرخ یا فراوانی کم و (۲) پاسخدهی با فاصله. پاسخدهی با فراوانی کم روشی است نظیر آنچه در آزمایش فوق به کار رفته است. در این روش، چنانچه رفتار به تعداد کم داده شود تقویت می‌شود. پاسخدهی با فاصله روشی است که در آن رفتار اگر با رعایت فواصل معین انجام شود مورد تقویت قرار می‌گیرد. در روش اول مجموع دفعات وقوع رفتار در یک زمان معین صورت پذیرد تقویت می‌شود؛ مثلاً اگر دانش‌آموز هر ۵ دقیقه یک بار سؤال بپرسد رفتار او تقویت می‌شود.

امتیاز مهم روش تقویت تفکیکی نرخهای کم رفتار این است که در آن کاهش رفتار با استفاده از تقویت مثبت انجام می‌گیرد و هیچ یک از عوارض نامطلوب روشهای منفی کاهش رفتار را که بعداً توضیح خواهیم داد ندارد. با این حال تأثیر این روش به آرامی ظاهر می‌شود و لذا تا کاهش رفتار ناشی از آن باید با حوصله و بردباری بود.

۲. تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر

در روش تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر (DRO)، همه رفتارهای فرد تقویت می شود، به جز رفتار آماج که نامطلوب تشخیص داده شده است. به سخن دیگر، در این روش، تقویت وابسته است به انجام ندادن یا حذف رفتار نامطلوب، نه انجام دادن آن. به همین سبب به این روش حذف آموزی یا تقویت تفکیکی حذف رفتار یا تقویت تفکیکی نرخ صفر رفتار نیز گفته می شود.

روش تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر را می توان در موارد زیر به کار بست:

۱. تقویت فرد برای انجام ندادن رفتار آماج در طول زمان از قبل تعیین شده. مثلاً اگر دانش آموز در طول جلسه درس (۴۰ دقیقه) حرف نزدن تقویت می شود. به دانش آموز پر حرف می توان گفت، "اگر در ضمن این جلسه قرائت حرف نزدی، در بازی امروز بعد از ظهر سردسته گروهی خواهی شد" (آلبرتو و تروت من، ۱۹۹۱، ص ۲۵۵). اگر دانش آموز به این قرار عمل کند تقویت کننده به او داده خواهد شد. تقویت فرد برای انجام ندادن رفتار آماج در طول یک جلسه را DRO کامل می نامند.

۲. تقویت فرد برای انجام ندادن رفتار آماج در طول یک مدت معین که به فواصل کوچکتر تقسیم شده است. این شیوه زمانی به کار می رود که کاهش تدریجی رفتار نامطلوب علمی تر و معقول تر است. به عنوان مثال، یک جلسه درس ۴۰ دقیقه ای را می توان به فواصل ۵ دقیقه ای تقسیم کرد و تقویت کننده را پس از هر فاصله ۵ دقیقه ای کرد. که رفتار نامطلوب در آن رخ نمی دهد ارائه کرد "این تقسیم طول مدت بیشتری برای تقویت شدن فرد فراهم می آورد، باز خوردهای بیشتری در اختیار او می گذارند، و فرصت های بیشتری برای کسب موفقیت به او می دهد" (آلبرتو و تروت من، ۱۹۹۱، ص ۲۵۵).

پس از آن که فرد توانست رفتار را در فواصل کوتاه اولیه کنترل کند، می تواند فواصل را به تدریج افزایش داد. یعنی ابتدا فواصل ۵ دقیقه ای به فواصل ۱۰ دقیقه ای تبدیل می شوند، و این تغییر ادامه می یابد تا اینکه دانش آموز بتواند در تمام مدت ۴۰ دقیقه درس قرائت ساکت و بدون حرف زدن در کلاس بنشیند.

۳. محصولات ماندنی رفتار رفتار را نیز می توان با روش DRO تغییر داد. مثلاً اگر معلم بخواهد برای حذف رفتار بد خطی شاگردان از این روش استفاده کند، می تواند هنگام تصحیح تکالیف آنان، هر تکلیفی را که خوش خط و خوانا نوشته شده است، با نوشتن یک جمله تشویق آمیز با چسبانیدن یک ستاره به علامت ممتاز بودن بر روی آن تقویت کند. همچنین معلم می تواند این کار را در مورد دیکته های بی غلط یا مسائل ریاضی که بی غلط حل شده اند به کار گیرد.

در استفاده از روش تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر (DRO) دو نکته اساسی زیر را باید در نظر داشت و هنگام طرح و اجرای برنامه های تغییر رفتار با این روش تدابیر لازم را به کار بست.

۱. از آنجا که در روش DRO تنها چیزی که از شخص خواسته می شود عدم انجام رفتار آماج است. او می تواند هر رفتار دیگری را انجام دهد و به خاطرش تقویت بشود. این امر می تواند شرایطی را به وجود آورد که از شرایط قبل نامطلوب تر باشند. یعنی فرد رفتارهایی را انجام می دهد و به خاطرشان تقویت بشود که بسیار نامطلوب تر از آماج هستند. مثلاً دانش آموزی که با روش DRO تقویت می شود که از صندلیش خارج نشود و گرد اتاق درس نگردد، ممکن است در عوض گلوله کاغذی پرتاب کند. در چنین شرایطی لازم است روش DRO را با روش های دیگر کاهش رفتار همراه کرد.

۲. تغییر دهنده رفتار با روش DRO صرفاً به فرد می گوید چه نکند، اما به او نمی گوید که به جای رفتار نامطلوب چه بکند، صرف خارج کردن یک رفتار نامطلوب از خزانه رفتاری فرد کارساز نیست، زیرا خلاء حاصل باید به گونه ای پر شود و اگر مربی یا تغییر دهنده رفتار این کار را نکند، خود فرد ممکن است با رفتار نامطلوب دیگری این خلاء را پر نماید. بنابراین، تغییر دهنده

رفتار همراه با حذف رفتار نامطلوب از خزانه رفتاری شخص لازم است رفتار مطلوبی را به او معرفی کند و انجام آن رفتار را از سوی او تقویت نماید. بهترین روش برای این منظور روشی است که در قسمت بعدی این فصل معرفی می شود.

۳. تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز

گفتیم که روش DRO اگر به تنهایی به کار رود خلاء رفتاری ایجاد می کند. بهترین روشی که برای جلوگیری از ایجاد خلاء رفتاری می توان به کار بست روش تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز (DRI) است. در این روش، همزمان با تقویت نکردن رفتار نامطلوب، رفتار مطلوبی را که با آن ناهمساز یا مغایر است تقویت می کنیم. مثلاً اگر رفتار نامطلوب دانش آموزی از روی صندلی خود برخاستن باشد، رفتار مغایر با این را که در روی صندلی نشستن است تقویت می کنیم. تفاوت روش حاضر با روش قبلی در این است که در بخش قبلی (DRO) همه رفتارهای فرد، به جز رفتار نامطلوب مغایر است تقویت می شود.

علت تاکید بر تقویت رفتار ناهمساز با رفتار نامطلوب به عنوان روشی برای کاهش رفتار نامطلوب این است که فرد عملاً نمی تواند به رفتار متضاد یا مانع الجمع را همزمان انجام دهد. در نتیجه هنگامی که رفتار ناهمساز با رفتار نامطلوب را انجام می دهد و برای آن تقویت می شود همزمان هم رفتار نامطلوبش کاهش می یابد و هم رفتار مطلوبی از او افزایش می یابد. به عنوان نمونه، اگر بخواهیم با روش DRI رفتار نامطلوب گوشه گیری یک کودک را اصلاح کنیم، هر گونه کوشش او را در جهت فعالیت گروهی و آمیزش با سایر کودکان تقویت می کنیم

۴. سیری

سیری یا اشباع "به کاهش رفتار حاصل از فقدان اثر بخشی تقویت کننده ای که آن رفتار را حفظ می کند گفته می شود". درسیری، فقدان اثر بخشی تقویت کننده در نتیجه مصرف زیاد آن رخ می دهد. به عنوان مثال، شخصی که گرسنه است وقتی که به غذا می رسد به سرعت غذا می خورد. اما بر اثر خوردن به تدریج که سیر می شود از نیرومندی رفتار غذا خوردن تدریجی و موقتی است، و پس از مدتی غذا نخوردن بازگشت می نماید با این حال، روش سیری، وقتی که با روشهای دیگر به کار برده می شود، در بعضی موقعیتهای موفقیت آمیز است.

لازم به ذکر است که در مثال بالا روش سیری همراه با روش خاموشی به کار گرفته شده است. افزایش مطالب چایی در اتاق آزمودنیها روش سیری و عدم توجه پرستاران به رفتار احتکاری آنان روش خاموشی است. در روش سیری پاسخ داده می شود و در مورد تقویت قرار می گیرد و به ضعف می گراید، اما در روش خاموشی پاسخ داده می شود ولی مورد تقویت قرار نمی گیرد و در نتیجه ضعیف می شود. پژوهش های مختلف نشان داده اند که کاربرد این دو روش باهم از کاربرد هریک از آن ها به تنهایی مؤثر تر است.

روشهای منفی کاهش رفتار

روشهای مورد بحث در این قسمت، بر خلاف روش های قسمت قبل، از تقویت مثبت استفاده نمی کنند و به طور غیر مستقیم رفتار نامطلوب را کاهش نمی دهند، بلکه این روش ها مستقیماً و از طریق اعمال شیوه های کم و بیش آزارنده موجب کاهش و حذف رفتار نامطلوب می شوند. به همین سبب ما آنها را روشهای منفی کاهش رفتار نامیده ایم.

۱. خاموشی

چنان که قبلاً گفته شد، خاموشی به فرایندی گفته می شود که در آن وقوع رفتار بدون تقویت می ماند و تکرار بدون تقویت عمل (حذف تقویت) و هم به نتیجه حاصل (کاهش نیرومندی رفتار) اشاره می کند.

به نمونه ای از کاربرد روش خاموشی در کلاس درس توجه کنید. معلم از دانش آموزان کلاس می پرسد: "چه کسی می تواند کار قلب را در بدن انسان توضیح دهد؟" احمد از صندلی خود بلند می شود و با سر و صدای زیاد می گوید "من بldم، من بldم". معلم به او توجه نمی کند، اما در عوض از جمشید که آرام در صندلی خود نشسته و تنها دستش را بلند کرده است تا اجازه بگیرد سؤال را جواب دهد می خواهد توضیح بدهد. معلم از این طریق رفتار نامطلوب شلوغ کاری احمد را با بی توجهی (تقویت نکردن) خاموش می کند و در عوض رفتار مطلوب جمشید را با تقویت کردن نیرومند تر می سازد.

معلمان می توانند از روش خاموشی برای کاهش دادن رفتار های نامطلوب دانش آموزان در کلاس درس حداکثر استفاده را ببرند. متأسفانه معلمان غالباً با توجه کردن به دانش آموزانی که اعمال خلاف مرتکب می شوند این گونه رفتار هارا افزایش می دهند. حتی زمانی که معلم از دانش آموز انتقاد می کند، او را سرزنش می نماید، یا به تصحیح اشتباهاتش می پردازد این رفتار های معلم ممکن است منجر به تقویت رفتار نامطلوب دانش آموز بشود. در عوض، معلم باید به رفتار های نامطلوب دانش آموز هیچ گونه توجهی نکند تا این رفتار ها خاموش شوند.

در استفاده از روشهای خاموشی، بهتر است همزمان با خاموش کردن یک رفتار نامطلوب رفتار های مطلوب را تقویت کنیم. به مثالی از کاربرد همزمان خاموشی و تقویت مثبت توجه کنید.

در یک جلسه مشاوره، راجر درباره ناراحتی های خود به مشاور شکایت می کند. می گوید پاهایش ناراحت هستند، سرش درد می کند، و شب پیش درست زمانی که می خواست میز را تمیز کند دچار سر گیجه شد. مشاور که در نتیجه مذاکره با پزشک راجر مطمئن شده است که او هیچ گونه ناراحتی عضوی ندارد، نگاهی را از راجر به سوی دیگر می دوزد و توجهی به شکایتهای او نمی کند. اما وقتی که راجر می گوید در امتحان دیکته نمره الف گرفته است مشاور با علاقه زیاد او را مورد توجه و تشویق قرار می دهد. (سولز و مایر، ۱۹۷۲، ص ۱۳۹)

در مثال بالا، رفتار شکایت آمیز دانش آموز با خاموشی مواجه شده است، ولی رفتار مطلوب صحبت کردن درباره نمره خوبی که از درس دیکته گرفته است تقویت شده است. بنابراین، برای افزایش اثر بخشی روش خاموشی، بهتر است آن را با روش تقویت مثبت همراه سازیم.

بازگشت خود به خودی. در فصل هفتم دیدیم که یکی از پدیده های وابسته به خاموشی بازگشت خود به خودی رفتار است. یعنی اینکه رفتاری که بر اثر تقویت نشدن خاموش شده ممکن است برای مدتی موقتی بدون اینکه تقویتی دریافت کرده باشد مجدداً ظاهر می شود. برای مقابله با بازگشت خود به خودی رفتار پس از خاموشی، باید به جریان خاموشی ادامه دهیم. خواهیم دید که رفتار مجدداً خاموش شده و دیگر بازگشت نخواهد کرد. هر چند که این بازگشت رفتار دوام چندانی ندارد و با ادامه برنامه خاموشی به سرعت از میان می رود، با این حال اطلاع از آن تغییر کنندگان رفتار را در کاربرد درست روش خاموشی یاری می دهد.

یکی از دانش آموزان جدید، هنگام ورود به مدرسه، فحشهای رکیک و عبارات زننده ای آموخته بود که آنها را در مدرسه به زبان می آورد. متخصص رفتاری که این مشکل به او ارجاع شده بود مشاهده کرد که رفتار های کودک در محیط آموزشگاه به وسایل مختلف تقویت می شده است: معلم به او اخم می کرد و مورد سرزنش قرار می داد و بدین وسیله به او توجه زیادی می نمود؛ همکلاسیها به او می خندیدند و مدیر مدرسه هم مرتباً او را نصیحت می کرد. شاید به دلیل آن که این دانش آموز در خارج از مدرسه مورد توجه دیگران قرار نداشت فحش دادنهای او که جلب توجه همکلاسیها و اولیای مدرسه منجر می شد رفتار نامطلوب او را تقویت می کرد. از این رو، تصمیم گرفته شد که رفتارهای نامطلوب کودک تحت برنامه خاموشی قرار داده

شوند. وقتی که او فحش می داد معلم رویش را از او برمی گرداند. دانش آموزان دیگر وقتی که به فحشهای او نمی خندیدند تقویت می شدند. مدیر مدرسه هم دیگر کاری به کار او نداشت. به تدریج از رفتار فحش آمیز کودک کاسته شد و سر انجام رفتار نامطلوب او به کلی خاموش گردید. اما چند روز بعد، بدون این که رفتار کودک تقویت شده باشد، باز به فحش دادن متوسل شد. این یک لحظه حساس بود. احتمال داشت معلم تصور کند که تمامی برنامه خاموشی با شکست مواجه شده و دوباره به سرزنش کودک بپردازد. سایر منابع تقویتی نیز ممکن بود از نو به کار افتند و فحش ها با شدت بیشتری از سر گرفته شوند. اما معلم برای بازگشت جزئی رفتار خاموش شده آماده بود و به برنامه خاموشی ادامه داد تا اینکه سرانجام دانش آموز از فحش دادن و گفتن حرف های زشت برای همیشه دست کشید.

۲. محروم کردن از تقویت مثبت

در روش محروم کردن از تقویت مثبت فرد را، به خاطر انجام رفتاری نامطلوب، برای مدتی معین از فرصت دریافت تقویت محروم می کنند. این محروم کردن به دو صورت انجام می شود: (۱) یا فرد را از محیطی که در آن تقویت دریافت می کند بیرون می برند، با (۲) منبع تقویتی را از دسترسش دور می سازند. مثالی که از مورد اول تصمیم معلم ورزش در بیرون کردن یکی از بازیکنان از زمین بازی به سبب انجام رفتار خلاف مقررات بازی است. آزمایش زیر از بائر (۱۹۶۲) مثالی از مورد دوم روش محروم کردن است.

رفتار نامطلوبی که توسط بائر با روش محروم کردن محو گردید، عادت انگشت مکیدن یک کودک دبستانی بود. روش محروم کردن این گونه به اجرا در آمد که برای کودک یک فیلم کارتون به نمایش گذاشته شد. در ضمن تماشای فیلم، هر وقت کودک شروع به انگشت مکیدن می کرد نمایش فیلم متوقف می شد، و وقتی که او انگشتش را از دهانش بیرون می آورد نمایش ادامه می یافت. نتیجه این بود که کودک به سرعت عادت انگشت مکیدن را ترک کرد.

معلمانی که دانش آموزان بی انضباط یا تنبل را از کلاس اخراج می کنند از روش محروم کردن از تقویت استفاده می نمایند. لازم به تأکید است که این روش در صورتی می تواند در کاهش رفتار نامطلوب موثر واقع می شود که فرد را از محلی که در آن تقویت می شود (دوست دارد در آنجا بماند) به محل دیگری در آن تقویت دریافت نخواهد کرد (دوست ندارد به آن جا برود) بفرستیم. در غیر این صورت، انتقال دادن فرد از محیطی به محیط دیگر ممکن است نتیجه عکس دهد و باعث تقویت رفتار نامطلوب گردد. مثلاً دانش آموزانی که محیط خارج از کلاس در س را به بودن در کلاس ترجیح می دهند، ممکن است عمداً دست به کاری بزنند که معلم آنها را از کلاس اخراج نماید. توصیف موردی از این رویداد توسط آلبرتو و تروت من (۱۹۹۱) توجه کنید:

خانم استاتون از روش محروم کردن استفاده می کند

خانم استاتون معلم کلاس دوم دبستان، درباره روش محروم کردن چیزهایی شنیده بود. تصمیم گرفت از این روش استفاده کند تا رفتار نامطلوب آرون را اصلاح نماید. آرون گاه و بی گاه دانش آموزان دیگر کلاس را به بهانه های مختلف می زد.

خانم استاتون از صبح همان روز هر وقت آرون دانش آموزی را می زد به وی می گفت، "آرون، تو باز هم دیگران را کتک می زدی. باید از کلاس بیرون بروی"، وبعد او را به راهروی مدرسه می فرستاد که بر روی یک صندلی که در آنجا قرار داده بود بنشیند. پس از گذشت حدود یک ساعت به سراغ دانش آموز می رفت و او را به کلاس باز می گرداند. آرون، در وقت بازگشت، حتی پیش از آن که سر جایش بنشیند، یکی دیگر از بچه ها را کتک می زد و باز هم معلم او را از کلاس اخراج می کرد. این جریان در تمام صبح آن روز ادامه یافت.

نتیجه اینکه آرون بیشتر از اوقاتش را در بیرون از کلاس می گذرانید و بقیه وقتش را به کتک زدن شاگردان دیگر مشغول بود. خانم استاتون به این نتیجه رسید که روش محروم کردن روش غیر مؤثری است. ساعت‌های آخر آن روز خانم معلم از آرون شنید که به دانش آموز دیگری می گفت، "پسر چه حقه قشنگی زدم. اگر تو یا هر کس دیگری را در کلاس کتک می زدم از کلاس بیرون می رفتم و راحت می رفتم روی صندلی توی راهرو لم می دادم و از شر کارهایی که باید در کلاس انجام دهم خلاص می شدم. اما در راهرو برای خودم استراحت می کردم و با آدمها حرف می زدم. حتی مدیر از من پرسید چه کار کرده ام و بهش گفتم چه کار کرده ام". (صص ۲۷۶-۲۷۵)

۳. جریمه کردن

روش جریمه کردن به حذف مقداری از تقویت کننده های یک فرد در ازای رفتار نامطلوبی که انجام داده است گفته می شود. جریمه کردن رانندگان مختلف از طریق دریافت پول آنها، کسر مقداری از حقوق کارمندان به علت غیبت از کار، و کسر کردن نمرات دانش آموزان به سبب کارهای غلطی که انجام داده اند نمونه هایی از کاربرد روش جریمه کردن است. شرط استفاده از روش جریمه کردن آن است که فرد قبلاً مدتی تقویت شده باشد تا بعد بتوان مقداری از تقویت کننده های دریافتی او را پس از انجام رفتار نامطلوب از او پس گرفت. یعنی سطحی از تقویت مثبت باید موجود باشد تا فرصتی برای حذف آن تقویت فراهم آورد. مثلاً کارمند باید مقداری حقوق دریافت کرده باشد یا دانش آموز نمره ای گرفته باشد تا بعد بخاطر غیبت یا بی انضباطی مقداری حقوق یا نمره از آن کسر شود.

نکته دیگری را که هنگام استفاده از روش جریمه کردن باید در نظر گرفت این است که جریمه نباید خیلی سنگین باشد، بلکه مقدار جریمه باید آن اندازه باشد که شخص با کوشش بیشتر بتواند آن را جبران کند. مثلاً نمره ای که از دانش آموز کسر می شود باید آن قدر باشد که او بتواند با کوشش بیشتر جبرانش نماید یا کسر حقوق کارمند باید به نسبتی باشد که بتواند با باقی مانده آن زندگی اش را اداره کند.

چنان که دیدیم، دو روش محروم کردن و جریمه کردن بسیار به هم شبیه هستند. اما به رغم شباهت ها، تفاوت هایی نیز با هم دارند. مهم ترین تفاوت بین آن ها این است که در روش محروم کردن فرد مدتی از دریافت تقویت محروم می ماند، در حالی که در روش جریمه کردن مقداری از تقویت کننده هایی که قبلاً دریافت کرده است از او پس گرفته می شود.

۴. جبران کردن

در روش جبران کردن یا روش جبرانی وقتی که فرد مرتکب رفتاری نامطلوب یا عمل خلافی می شود، او را می دارند تا برای جبران عمل خلاف خود آن را اصلاح کند. هدف روش جبرانی این است که به دانش آموزان آموزش داده شود تا برای رفتار نامناسب خود قبول مسئولیت نمایند و رفتار مناسب را یاد بگیرند. مثلاً معلم دانش آموزی را که خرده کاغذ در کف اتاق ریخته است و می دارد تا خرده ی کاغذ هارا جمع کند و در سطل زباله بریزد.

در روش جبران کردن می توان از شخص خاطی خواست تا، علاوه بر جبران عمل خلاف خود، به انجام اعمال اصلاحی اضافی نیز بپردازد دراین صورت، روش مورد استفاده جبران اضافی نامیده می شود. مثلاً معلم از دانش آموزی که به یکی از هم کلاسیهایش توهین کرده است می خواهد تا هم از دانش آموز مورد نظر و هم از کلیه افراد کلاس عذرخواهی کند.

باید دقت کرد که در استفاده از روش های جبرانی، خود عمل جبرانی کردن برای فرد تقویت کننده نباشد. به سخن دیگر، باید از این روش به گونه ای استفاده شود که تا اندازه ای جنبه آزارنده داشته باشد. برای این منظور، هنگام استفاده از این روش نکات زیر را در نظر بگیرید:

۱. به آزمودنی یا دانش آموز بگویید که رفتار او نامطلوب بوده است.
 ۲. او را از انجام کاری که مشغول آن است بازدارید.
 ۳. با توضحات شفاهی کار جبرانی او را برایش مشخص کنید.
 ۴. او را به انجام کار جبرانی مجبور نمایید. در صورت لزوم با فشار دست او را به انجام این کار وادارید، اما به محض آنکه شروع به انجام کار کرد از فشار دست بکاهید.
 ۵. پس از انجام عمل جبرانی فرد را به کاری که مشغول انجام دادنش بوده است باز گردانید.
- روش معمول معلمان با نام جریمه کردن که در آن مثلاً از دانش آموزان خواسته می شود تا کلمه ای را که املاي آن را غلط نوشته اند یا از روی شعری که خوب آن را حفظ نکرده اند چند بار بنویسند در واقع همان روش جبرانی است. این روش معلمان نیز در اصل برای رفع نواقص کار دانش آموزان ابداع شده که اکنون غالباً به صورت یک روش تنبیهی از آن استفاده می شود، که البته درست نیست
۵. تنبیه
- در فصل هفتم گفتیم که تنبیه ارائه یک محرک آزارنده یا یک تقویت کننده منفی به دنبال یک رفتار نامطلوب است که نتیجه اش ضعیف شدن ای کاهش احتمال بروز آن رفتار است. محرک آزارنده مورد استفاده در تنبیه را محرک تنبیه کننده نیز می نامند. محرک آزارنده، محرک تنبیه کننده، یا تقویت کننده منفی که در تنبیه رفتار به کار می رود همان محرکی است که اگر رفتاری از ارگانیسم سبب دور شدن یا جلوگیری از وقوع آن بشود (در تقویت منفی) نتیجه اش افزایش فراوانی آن رفتار است.
- تنبیه در واقع احتمال بروز رفتار تنبیه شده را در شرایط همسان آتی کاهش می دهد زیرا پاسخی که تنبیه می شود قبلاً انجام شده است و تنبیه بر آن تأثیری ندارد.
- در تعریف تنبیه گفته اند، "تنبیه کاهش دادن احتمالات بروز آتی یک پاسخ است که در نتیجه ارائه محرکی پس از آن پاسخ حاصل می شود؛ محرک ارائه شده محرک تنبیه کننده و کل فرایند تنبیه نام دارد." "برای مثال، پدری که کودک خود را بخاطر حرف زشت که به زبان آورده است کتک می زند، می خواهد از وقوع این نوع رفتار نامطلوب کودک در آینده جلوگیری به عمل آورد، در این مثال، کتک محرک یا رویداد آزارنده و کتک زدن پدر پس از حرف زشت کودک تنبیه است."
- محرکهای تنبیه کننده نخستین و شرطی
- در فصل دوازدهم گفتیم که تقویت کننده های منفی یا محرک های تنبیه کننده نیز، مانند تقویت کننده های مثبت، از دو دسته مهم نخستین و شرطی تشکیل می یابند. محرکها تنبیه کننده نخستین محرک هایی هستند که ذاتاً خاصیت تنبیهی یا آزارنده دارند، مانند ضربات چوپ و شلاق، صدای شدید، حرارت زیاد، و نظایر این ها. محرک های تنبیه کننده شرطی محرکها یا رویدادهایی هستند که در اثر مجاورت با محرک تنبیه کننده نخستین خاصیت تنبیه کنندگی پیدا کرده اند، مانند داد زدن، توهین کردت، اخم کردن، و نظایر اینها.
- عوارض نامطلوب ناشی از تنبیه و سایر روش های تنبیهی
- علت کاربرد گسترده تنبیه به توسط افراد مختلف اثر بخشی آن نیست بلکه علت آن است که ما همه عادت کرده ایم همدیگر را تنبیه کنیم.

شاید به سبب اینکه بسیاری از آدمها در خانه و مدرسه به وسیله کتک خوردن و فریاد شنیدن تربیت شده اند آموخته اند که در برخورد با دیگران به داد و فریاد یا کتک زدن متوسل بشوند به ویژه زمانی که رقیبشان از لحاظ جسمی از خودشان ضعیفتر است."

- دلیل دیگر اینکه چرا خیلی از افراد به جای روشهای مثبت، از روش تنبیه استفاده می کنند این است که تنبیه سریعاً رفتار تنبیه شده را متوقف می سازد و این پیامد سبب تقویت شخص تنبیه کننده می شود، در حالی که روش های مثبت، پس از گذشت یک مدت زمان، و آن هم تدریجاً رفتار را کاهش می دهد، و این کار نیاز به صبر و شکیبایی دارد که معمولاً از کسانی که تنبیه را ترجیح می دهند ساخته نیست.

هر چند که تنبیه به طور سریع رفتار تنبیه شده را متوقف می کند، این توقف به معنی یادگیری زدایی رفتار نیست. در واقع تنبیه، به خلاف تصور کسانی که از آن استفاده می کنند، عکس تقویت عمل نمی کند. تقویت رفتار تقویت شده را نیرومند می سازد سبب ایجاد رفتار تازه می شود و خزانه رفتار فرد را غنی می کند، اما رفتار تنبیه شده، پس از آن که تنبیه به پایان رسید، همچنان در خزانه رفتاری فرد باقی می ماند و تا زمانی که عامل تنبیه کننده حاضر و ناظر است پنهان می ماند، ولی به محض این که عامل تنبیه کننده ضعیف شد یا از میان رفت آن رفتار مجدداً ظاهر می گردد.

بنابراین به خلاف تقویت مثبت که میل به انجام رفتار تقویت شده را در شخص افزایش می دهد، تنبیه میل به انجام رفتار تنبیه شده را در شخص از بین نمی برد.

عوارض استفاده از تنبیه

- از جمله مشکلات دیگر استفاده از تنبیه عوارض جانبی آن است که از لحاظ پرورشی بسیار نامطلوب اند. یکی از این عوارض این است که احساس ناخوشایند حاصل از تنبیه در لحظه تنبیه شدن، از طریق قانون شرطی شدن کلاسیک، با شرایط تنبیهی و شخص یا اشخاص تنبیه کننده تداعی می شوند و سبب انزجار و نفرت تنبیه شونده از شخص تنبیه کننده و شرایط موقعیتی که در آن تنبیه صورت گرفته است می شوند. یعنی حتی اگر تنبیه شومده بداند که تنبیه به خیر و صلاح اوست و تنبیه کننده از روی دلسوزی او را تنبیه می کند، باز هم احساس نامطلوب حاصل از تنبیه شدن به صورت پاسخ شرطی در می آید و شخص تنبیه شونده نسبت به تنبیه کننده احساس انزجار خواهد کرد.

- مشکل دیگر استفاده از روش تنبیه این است که تنبیه کردن عملی است که به سرعت توسط دیگران، به ویژه کودکان و نوجوانان، آموخته می شود. بنابراین، معلمی که به تنبیه دانش آموزان می پردازد، به آن ها آموزش پرخاشگری می دهد، و معلمی که به تنبیه کودکان خود می پردازد تنبیه کردن را به آن ها می آموزد بارها دیده شده است کودکانی که مرتباً از پدر و مادر خود کتک می خورند، در غیاب آن ها فرزندان کوچک تر خانواده را کتک می زنند.

پرخاشگری پی آمد دیگر تنبیه است. آزمایش با حیوانات نشان داده است وقتی که به دو حیوان که بایکدیگر در صلح و صفا زندگی می کنند شوک برقی وارد شود، به جان هم می افتند و نسبت به یکدیگر رفتار خصمانه از خودشان می دهند. همچنین در انسانها نیز شرایط تنبیهی سبب بدبینی افراد نسبت به یکدیگر می شود و رفتار خصمانه جانشین رفتار دوستانه می گردد.

یکی دیگر از پی آمدهای نامطلوب تنبیه این است که فرد تنبیه شده، برای احتراض از تنبیه، ممکن است به رفتاری که تنبیه به دنبال دارد نپردازد، اما رفتار های دیگر را جانشین آن کند. بعضی از این رفتار های جانشین مخرب، ناسازگارانه، و روان رنجورانه هستند. مکانیسمهای دفاعی روانی که فروید توضیح داده است راههایی هستند که در آن ها آرزو های سرکوب شده سانسور را کنار می زند و راه بروز می یابند. طبق نظر اسکینر (۱۹۷۲)، این مکانیسمها در واقع راههایی هستند که مردم برای

احتراس از تنبیه به آن ها متوسل می شوند. شخص ممکن است، به عوض انجام رفتاری که تنبیه به دنبال می آورد به طریقی دیگر به آن رفتار بپردازد که تنبیه به دنبال نداشته باشد، مانند خیال پردازی یا رؤیای روز. شخص می تواند با توسل به رفتاری که تأثیرات تقویتی مشابهی با رفتار مقابل تنبیه دارد اما تنبیه نمی شود، رفتار خود را تصعید و والایش نماید. همچنین شخص ممکن است با متوجه ساختن قابل تنبیه به چیزهایی که نمی توانند تنبیه کننده باشند آن رفتار را جا به جا سازد؛ مثلاً ممکن است نسبت به اشیای فیزیکی، کودکان، یا جانوران کوچک پرخاشگری کند. شخص ممکن است کسان دیگری را که رفتار قابل تنبیه انجام می دهند ولی تنبیه نمی شوند مشاهده کند یا درباره آن ها به مطالعه بپردازد و به این طریق خود را با آن ها همانند سازد. همچنین شخص ممکن است رفتار دیگران را قابل تنبیه بداند و از این راه تمایلات خود را فرا فکنی کند. علاوه بر این ها، شخصی که به خاطر انجام رفتاری تنبیه شده ممکن است با آوردن دلیل، برای خود یا دیگران، به منظور غیر قابل تنبیه جلوه دادن رفتار خود دلیل تراشی کند، مثل زمانی که می گوید کودک را به خاطر صلاح او تنبیه می کند.

- بازهم از عوارض جانبی نامطلوب تنبیه و سایر روش های تنبیهی این است که اگر این روش ها ادامه یابند شخص تنبیه شده ممکن است سرانجام به تنبیه کننده حمله ور شود. مثلاً نوجوانی که از کودکی از پدرش کتک می خورده است ممکن است بالاخره روزی در برابر او بایستد، یا دانش آموزانی که تحت روش های مداوم تنبیهی آموزشگاه قرار می گیرند ممکن است به تخریب اموال آموزشگاه یا ایجاد مزاحمت برای معلمان، ناظم، و سایر مسئولان مدرسه اقدام کنند.

پیشنهادهای تحقیقی:

با نگاهی به مدارس و توجه بیشتر به روش عمل آنها خواهید دید که با وجود تفاوت های بسیار اندک در ساختار و شکل مدارس و نیز یکسان بودن مواد و کتب درسی، تفاوت های زیادی بین مدارس و سطح درسی و نتایج دانش آموزان آنها مشاهده می شود. پس با اندکی تأمل می توان فهمید که عاملی دیگر وجود دارد که موجب می شود سطح درسی، حال و هوای مدرسه و روابط بین فردی در این مراکز آموزشی متفاوت شود.

در سالهای اخیر تحقیقاتی انجام شده است که تأثیر برخی ابعاد غیر درسی را بر رشد جنبه های آموزشی و شخصیتی دانش آموزان اثبات کرده است. اموری همچون رابطه بین فردی دانش آموزان، رابطه میان آنها و معلمان و مدیران، وضعیت اقتصادی- اجتماعی و بسیاری مسائل دیگر در تحصیل و موفقیت دانش آموزان بسیار مؤثرند. بدون تردید مدیران و معلمان بیش از هر عامل دیگر در به وجود آوردن جو مناسب در مدرسه و کلاس مؤثرند و رشد همه جانبه شخصیت دانش آموزان وابسته به جو سازمانی مدرسه است.

رهبری و هدایت کلاس:

معلم برای اداره مطلوب کلاس به دو مهارت مهم احتیاج دارد، یکی برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش آموزان و دیگری، مدیریت کلاس. برای کمک به معلمان در ایجاد جوی آرام و مطلوب در کلاس، چهار راهبرد پیشنهاد می شود:

الف) پیشگیری از رفتار های نامطلوب دانش آموزان در کلاس.

زیرا پیشگیری بهتر و آسان تر از درمان است. برای این کار معلم باید مسائلی را که موجب قطع توجه و ارتباط آموزشی در کلاس می شود شناخته و آنها را خنثی نماید. کاوینگتون (۱۹۹۹) در رابطه با این کار، نکات زیر را توصیه می کند:

۱- در بعضی مواقع با عوامل بی نظمی کلاس باید به طور انفرادی ارتباط برقرار کرده و از دلایل آنمطلع شوید.

۲- رفتارها و فعالیت های برهم زننده نظم را مشخص و آن را به صورت قوانین در کلاس مطرح کنید. مثلاً: کثیف کردن دیوار ها قدغن است.

۳- منتظر برخی رفتار های غیر قابل پیش بینی باشید و میزان توانایی برخورد خود را با آنها بسنجید.

۴- دانش آموزان باید رفتارهای مطلوب معلم را باید بدانند. مثلاً: دوست دارم برای صحبت، اول دست خود را بلند کنید.

۵- به رفتار های نامطلوب، واکنش جدی نشان دهید. زیرا بی توجهی به این امر موجب نا کارآمد جلوه کردن شما در نظر آنها می شود.

۶- در شروع کار، قوانین و ضوابط کلاس را مشخص و مطرح کنید و سعی کنید آنها، روشن و قابل اجرا باشند.

۷- قوانین باید قابل درک باشند، برای کلاسهای ابتدایی قوانین ساده و کلی تر و برای کلاسهای بالاتر قوانین پیچیده تر. ۱-

در بعضی مواقع با عوامل بی نظمی کلاس باید به طور انفرادی ارتباط برقرار کرده و از دلایل آنمطلع شوید.

۲- رفتارها و فعالیت های برهم زننده نظم را مشخص و آن را به صورت قوانین در کلاس مطرح کنید. مثلاً: کثیف کردن دیوار ها قدغن است.

۳- منتظر برخی رفتار های غیر قابل پیش بینی باشید و میزان توانایی برخورد خود را با آنها بسنجید.

۴- دانش آموزان باید رفتارهای مطلوب معلم را باید بدانند. مثلاً: دوست دارم برای صحبت، اول دست خود را بلند کنید.

۵- به رفتار های نامطلوب، واکنش جدی نشان دهید. زیرا بی توجهی به این امر موجب نا کارآمد جلوه کردن شما در نظر آنها می شود.

۶- در شروع کار، قوانین و ضوابط کلاس را مشخص و مطرح کنید و سعی کنید آنها، روشن و قابل اجرا باشند.

۷- قوانین باید قابل درک باشند، برای کلاسهای ابتدایی قوانین ساده و کلی تر و برای کلاسهای بالاتر قوانین پیچیده تر.

۸- کلاس درس را در آغاز با جدیت شروع کنید و متعاقب آن آزادی بیشتری به دانش آموزان بدهید، زیرا کنترل آنها پس از دادن آزادی های بسیار در آغاز، مشکل است.

۹- یادگیری را با اهمیت و معنی دار کنید تا دانش آموزان علاقمند شده و خسته نشوند.

علل رفتار های نامطلوب دانش آموزان در کلاس امور مختلفی همچون: خستگی از درس و بحث معلم، استقلال طلبی در مقابل معلم، جلب توجه و یا سردرگم بودن نسبت به انتظارات و قوانین کلاس، می تواند باشد. کانین (۱۹۷۰) با مقایسه رفتار معلمان در این زمینه، دریافت که آنچه مهم است اقدامات پیشگیرانه است. او سه ویژگی برای اقدامات پیشگیرانه مطلوب در نظر گرفت:

(۱) نظارت: معلم به طور فعال بیش از یک دانش آموز را مورد توجه قرار دهد و برای همه فعالیتی مشخص کند.

(۲) پاسخ مقتضی و مناسب به رفتار های نامطلوب دانش آموزان در کلاس: این کار برای پیشگیری از رفتار های بعدی صورت می گیرد و راهبرد های زیر به ترتیب میتواند در این امر مؤثر باشد:

۱- معلم در حین تدریس، نگاهی خیره و کوتاه مدت به دانش آموز خاطی داشته باشد.

۲- از شیوه بیان غیر مستقیم استفاده کند.

۳- به شکل تصنعی از شخص خاطی سوال کند. (چرا به جای شرکت در کلاس به کار دیگری مشغولید؟)

۴- از شیوه بیان مستقیم استفاده کند .

۵- الگو سازی رفتار مطلوب با اشاره به دانش آموزان دیگر.

- ۶- شیوه اصلاح رفتار، یعنی پاداش به رفتار های مطلوب و نادیده گرفتن رفتار های نامطلوب.
- ۷- منزوی کردن یا اخراج کردن دانش آموز خاطی.
- ۳) ارائه پاسخهای راهبردی به رفتار های نامطلوب دانش آموزان: با استفاده از نگرش انسان گرایانه، مذاکره منطقی با دانش آموزان، و استفاده از تحلیل کاربردی رفتار (بحث تقویت و پاداش).

تنبیه و پیامد های آن

تنبیه کاری است نامطلوب و مربیان تربیتی هرگز این شیوه را برای جلوگیری از رفتار نامطلوب و تنظیم مدیریت کلاس توصیه نمی کنند. اگرچه تجربه عمومی نشانگر آثار کوتاه مدت آن است اما متخصصان امر نگران آثار جانبی آن هستند. زیرا: تنبیه ممکن است بیش از حد تعمیم یابد و رفتار های دیگر دانش آموز را نیز تحت تأثیر قرار دهد؛ در صورت تکرار، اثر خود را از دست بدهد؛ و ایجاد احساس «درماندگی» و ناتوانی در دانش آموزان نماید. امر (۱۹۸۷) رهنمود های زیر را برای تنبیه دانش آموزان ارائه کرده است:

- ۱- به دلایلی که ذکر شد تا حد امکان از تنبیه کم استفاده کنید.
- ۲- دلیل خود را برای تنبیه دانش آموزان بیان کنید، تا بدانند رفتارشان بد بوده نه خودشان.
- ۳- دانش آموزان باید بدانند چه می توانند بکنند تا تنبیه نشوند.
- ۴- رفتار های مناسب را در کلاس تقویت کنید.
- ۵- هرگز از تنبیه بدنی استفاده نکنید.
- ۶- رفتار نامطلوب را در ابتدای بروز آن مورد تنبیه قرار دهید نه در انتها. زیرا رفتار در حال شکل گیری بیشتر از رفتاری که انجام شده و لذت آن برده شده قابل اصلاح است.

ب) برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش آموزان.

- توجه به موارد ذیل در برقراری ارتباط مناسب و مؤثر در کلاس مفید است:
- ۱- معلم باید مؤدبانه صحبت کند و از کلمات آمرانه بپرهیزد.
 - ۲- معلم باید در مواقع لزوم از دانش آموزان خواهش و تقاضا کند.
 - ۳- به دانش آموزان بیاموزید که احساسات خود را بدون افراط و تفریط نشان دهند و اینکه استفاده از احساسات برای تأثیر گذاری بر دیگران کار درستی نیست.
 - ۴- گاهی اوقات سوال های غیر جدی مطرح کنید تا ساختار شخصیتی شما جدی و غیر قابل انعطاف به نظر نیاید.

تأثیر انتظارات معلم

تأثیر انتظارات معلم بر رفتار دانش آموزان طرخی است که پس از تحقیقات مشهور روزنتال و یاکوبسن (۱۹۶۸) ارائه شد و «پیشگویی خودکامبخش» یا «اثر پیگمالیون» نامیده شد. در این تحقیق به طور ساختگی طی یک آزمون دانش آموزان به ظاهر با استعداد به صورت تصادفی مشخص شدند و به معلمان معرفی شدند. اگرچه این دانش آموزان حقیقتاً دارای چنین استعدادی نبودند اما در پایان سال، در مقایسه به دیگران از پیشرفت بالاتری برخوردار بودند. اگرچه این تحقیق مورد انتقادات گسترده ای قرار گرفت و دارای ضعف هایی بود اما مطالعات بعدی هم به این نتیجه کلی رسید که انتظارات معلم، غالباً عملکرد

و رفتار دانش آموزان را در کلاس درس تحت تأثیر قرار می دهد. دلیل آن هم این است که اینچنین دانش آموزانی، وقت بیشتری برای مشارکت در کلاس به دست می آورند و معلم نیز آنها را در رسیدن به جوابها کمک می کند. از سوی دیگر انتظارات نابجا و نامناسب معلم نیز میتواند باعث بروز مشکلاتی در دانش آموزان شود.

انتظارات مثبت معلم نتایج ذیل را به دنبال دارد:

- ۱- در کلاس، جوی گرم و پذیرا ایجاد می شود.
 - ۲- بازخوردی مناسب به دانش آموزان ارائه می شود.
 - ۳- دانش آموزان برای شرکت در فعالیت های کلاسی ترغیب می شوند.
 - ۴- زمان و فرصت بیشتری برای یادگیری فراهم می شود.
- تأثیر گذاری انتظارات معلم، دلایل متعددی می تواند داشته باشد. از جمله اینکه معلم توجه بیشتری می کند، و دانش آموز بدین وسیله تقویت های بیشتری دریافت می کند. به نظر روزنتال، موارد ذیل می تواند منجر به تأثیر انتظار مثبت یا بالا در دانش آموزان گردد:

- ۱- روابط متقابل: رفتار دوستانه و گرم معلم با دانش آموزان.
- ۲- بازخورد: دانش آموزان اطلاعات روشنتری درباره عملکردشان از معلمان دریافت می کنند.
- ۳- درونداد: معلمان اطلاعات بیشتر و طرح های سنگین تری نسبت به بقیه به این دانش آموزان می دهند.
- ۴- برونداد: معلمان فرصت های بیشتری برای پاسخگویی (برونداد) این دانش آموزان می دهند.

نتایج

- نتایج زیر را می توان از تحقیقات اثر انتظار مثبت دریافت نمود:
- ۱- معلم باید عدالت و انصاف را در همه جنبه ها خصوصاً روابط با دانش آموزان و توجه به آنها رعایت کند.
 - ۲- معلم باید آگاهانه با اموری که موجب پیشداوری می شود (مثل وضعیت ظاهری، اقتصادی، اجتماعی) مقابله کند.
 - ۳- کسب اطلاع معلم از سوابق تحصیلی دانش آموز صرفاً برای کمک به آنها نه تحقیر و تمسخر.
 - ۴- معلم ضمن بررسی عملکرد گذشته باید انتظار خود را از پیشرفت های آتی اعلام کند.
 - ۵- موارد ضعف دانش آموزان را حتی المقدور حاصل عدم تلاش آنها دانست نه کم توانی ذهنی.

ج) استفاده از روش یادگیری مشارکتی در کلاس.

شیوه مشارکتی در امر آموزش در مقابل روش سنتی و انفرادی قرار دارد و باید گفت که این شیوه ارتباط مطلوبی بین دانش آموزان پدید می آورد و آنها را برای یادگیری بهتر بر می انگیزاند و عزت نفس آنها را ارتقا می دهد. شیوه های یادگیری مشارکتی همگی در سه اصل مشترکند: آموزش فعالیت مشترک؛ آموزش فعالیت ها به صورت مشترک و گروهی؛ و تقویت عملکرد گروهی.

وجه تمایز روش های مشارکتی بر اساس شیوه سازماندهی تکالیف و شیوه ارائه پاداش مشخص می شوند:

شیوه سازماندهی تکالیف: الف) تکالیف به صورت مشترک باشد و نمره کلی دریافت کنند. ب) دانش آموزان به صورت انفرادی کار کنند و ارزشیابی شوند در حالی که روی یک موضوع کلی کار می کنند. که این روش دوم باعث می شود همگی افراد گروه درگیر کار شوند.

شیوه ارائه پاداش: اگر در ارائه پاداش به دانش آموزان هر دو جنبه فعالیت فردی و گروهی در نظر گرفته شود بعضی از مشکلات روش مشارکتی برطرف میشود. مثلاً در تمرین ضرب و تقسیم معلم میتواند دانش آموزان را هم انفرادی و هم گروهی امتحان کند یا متوسط نمره تک تک اعضای گروه را نمره گروهی فرض کرد.

انتقاداتی به شیوه مشارکتی شده است که به آنها اشاره می کنیم: ۱- آیا یادگیری مشارکتی منجر به رقابت بین گروهها نمی شود؟ این درحالی است که ما ضعف روش سنتی را رقابت و شکست برخی از دانش آموزان می دانستیم. اما روش مشارکتی نیز میتواند برای گروهی که به موفقیت کمتری می رسد آثار نامطلوبی داشته باشد.

۲- آیا این روش برای برخی از افراد فشار زاست یا نه؟ در گروه های بزرگ این قبیل دانش آموزان میتوانند خود را مخفی نگه دارند ولی در گروههای کوچک چطور؟ به هر صورت اگر دانش آموزان احساس «آسیب پذیری» کنند ممکن است شیوه مشارکتی برای آنها مفید نباشد. البته شاید معلمان با جابجا گردن دوره ای این افراد در گروههای مختلف بتوانند این مشکل را تا حد زیادی کاهش دهند.

۳- چرا باید هر گروه ترکیبی از استعدادهای خاص و عمومی باشد؟ اگر بعضی از دانش آموزان قبلاً در فعالیت های مشارکتی شرکت کرده اند، از آنها به عنوان دستیار استفاده کنید.

د) فراهم کردن جو مثبت و مطلوب برای یادگیری و آموزش.

راهبرد چهارم برای رهبری و هدایت کلاس، در حقیقت چکیده و نتیجه سه راهبرد قبلی است. پیشنهاد هایی برای کمک به این زمینه وجود دارد که به آنها اشاره می کنیم:

۱- مقررات کلاس را با مشارکت دانش آموزان تدوین کنید و بیشتر بر پیامد های مثبت اطاعت از قوانین تاکید کنید.

۲- آموزش کلاس را با قاطعیت و جدیت شروع کنید و سپس آزادی بیشتر بدهید.

۳- شرایط و ضوابط کلاس را مرتباً طبق نظر دانش آموزان تغییر ندهید.

۴- از تهدید بپرهیزید.

۵- بر عملکرد دانش آموزان تمرکز کنید نه شخصیت آنها.

۶- آرام و قاطع برخورد کنید.

۷- از انتقامجویی یا تمسخر دانش آموزان بپرهیزید .

۸- اگر عصبانی هستید ابتدا خود را کنترل و سپس به صحبت پردازید.

۹- رفتار های نامطلوب را با جریمه، به تکالیف درسی پیوند نزنید.

۱۰- با دادن فرصت دوباره به دانش آموزان خاطی و پذیرش آنها، آنها را تقویت کنید.

۱۱- از اشتباهات کوچک چشم پوشی کنید.

۱۲- یادگیری را معنی دار کنید.

۱۳- در صورت لزوم و عدم توجه به اشاره های غیر مستقیم، دانش آموزان را به طور مستقیم مورد خطاب قرار دهید.

- ۱۴- از ساز و کارهای پیچیده روانشناختی و عواملی که بر تدریس اثر می گذارد استفاده کنید.
- ۱۵- به تأثیر انتظار معلم و تحقیقات انجام شده در این زمینه توجه داشته باشید.
- ۱۶- کلاس درس را نظامی اجتماعی در نظر بگیرید. بدون تردید این آموزش ها و نوع روابط آموخته شده در زندگی بزرگسالی هر دانش آموز تأثیر می گذارد و میزان موفقیت یا عدم موفقیت او را تا حدود زیادی مشخص می کند.

منابع:

۱. آندرسون، لورین دبلیو. افزایش اثر بخشی معلمان در فرایند تدریس. ترجمه دکتر محمد امینی. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۷.
۲. اسپالدینگ، چریل. ال. انگیزش در کلاس درس. ترجمه محمد رضا نائینیان و اسماعیل بیابانگرد. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۹.
۳. اسماعیلی نسب، مریم. «می خواهم وارد کلاس شوم!» معلم. دی ماه ۱۴۰۳: ۴.
۴. اکرمی. ناهید. «انضباط چیست و بهترین روش های انضباطی کدامند؟». تربیت. ۱۷ آبان ۱۴۰۰: ۲.
۵. براون، جورج. تدریس خرد. ترجمه علی رؤوف. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۳.
۶. پالاردی ج. میشل و توماس. ج. پالاردی. انضباط در کلاس درس. ترجمه عباس سازش. پیوند. فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲: ۲۸۳ و ۲۸۲.
۷. پاملا، آر ردیستن. روان شناسی تربیتی. ترجمه شهاب الدین مشایخی ۱۴۰۳.
۸. تابر، روبرت. تی. الفبای مدیریت کلاس درس. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۹.
۹. تاج الدین. ضیاء «مدیریت کلاس درس، مفاهیم، شالوده ها و راهکارها» رشد تکنولوژی آموزشی. بهمن ۱۳۹۲.
۱۰. جویس، بروس و مارشا ویل. الگوهای تدریس. ترجمه دکتر محمدرضا بهرنگی. نشر گلچین، ۱۴۰۰.
۱۱. دیناروند. حسن. «نیم رخ مدیریت کلاس شما چیست؟» رشد تکنولوژی آموزشی. مهرماه ۱۴۰۳.
۱۲. صالح، حسین. دانستنی های دانش آموزی. نشر طلا. ۱۳۹۹.
۱۳. صیامی، توحید. مترجم «شیوه های ایجاد نظم و انضباط سالم در کلاس». رشد تکنولوژی آموزشی. بهمن ۱۳۸۴: ۳.
۱۴. عباسی اول. کریم. «بررسی نحوه تأثیر مدیریت معلم در جریان یاددهی و یادگیری» تربیت. ۲۰ اسفند ۱۴۰۳: ۶.
۱۵. کدیور، پروین. روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت. ۱۴۰۲.